

انفاق و آثار فردی و اجتماعی آن از دیدگاه قرآن و سنت

حانیه محمودی نهرانی^۱

چکیده

یکی از خصلت‌های مومنان انفاق در راه خدا می‌باشد که در روایات اهل بیت (ع) و آیات قرآن کریم به آن فراوان اشاره شده است. چنانچه انفاق نفع مادی برای نیازمند در بردارد ولی پیش از آن سود معنوی برای انفاق کننده دارد و هرچه این انفاق خالصانه‌تر باشد به همان اندازه رشد آثار آن نیز بیشتر می‌شود. فلسفه مفهوم انفاق، انسان سازی است. زیرا در قبال انفاق، انسان‌ها با گذشت و بخشش‌ها و ایثار، روحشان انسانی می‌گردد. انفاق به عنوان عمل صالحی است که، اگر طبق دستور قرآن کریم انجام گیرد، جامعه اسلامی به نحو مطلوب برای مردم، روند خود را در پیش می‌گیرد و باعث درونی شدن هرچه بهتر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها در نهاد افراد می‌گردد. گسترش فرهنگ انفاق و آشنایی با آثار فردی و اجتماعی آن، می‌تواند از سویی ویران‌کننده بخل و اسراف باشد و سوی دیگر شکاف طبقاتی اجتماعی را از بین برده و ارزش‌های اسلامی را در جامعه حاکم گرداند. براین اساس در این پژوهش سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، انفاق و آثار و پیامد فردی و اجتماعی آن مطرح شود و در پایان به نتیجه این موضوع پرداخته شود که انفاق چه نقش موثری بر سرنوشت جامعه اسلامی دارد چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ اقتصادی و قرآن کریم و روایات پیوسته بشر را به این عمل نیکو سفارش کرده است.

کلید واژه: انفاق، فردی، اجتماعی، آثار، قرآن کریم، روایات

مقدمه

انفاق در فرهنگ قرآن و سنت، از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی و عبادی به شمار می‌رود که پیوندی مستقیم با ایمان و تقوا دارد. خداوند در آیات متعددی همچون «وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره، ۲۵۴) مؤمنان را به انفاق در راه خویش فرا می‌خواند و آن را نشانه صداقت در ایمان معرفی می‌کند. در روایات نیز پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) انفاق را وسیله‌ای برای پاکی مال، تزکیه نفس و استحکام روابط اجتماعی دانسته‌اند. انفاق، تنها پرداخت مالی نیست بلکه هرگونه بخشش از مال، توان، علم و حتی لبخند را در برمی‌گیرد. این آموزه الهی با ایجاد تعادل اقتصادی، همبستگی اجتماعی و آرامش درونی، زمینه‌ساز سعادت فردی و کمال جامعه اسلامی می‌شود.

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه علمیه شهید مطهری (ره)، استان البرز

مولفان متعددی در این موضوع بحث‌های فراوان و مفیدی مطرح کرده‌اند ولی موضوعی منطبق با این مقاله یافت نشد اما در برخی از مقالات و پژوهش‌ها پیوند و ارتباط نزدیکی با موضوع مقاله وجود دارد مانند «انفاق از منظر قرآن و عترت» نوشته محمد جعفری و همچنین «رهیافتی بر راهکارهای اجرایی انفاق در جامعه از منظر آیات و روایات» نوشته محمد واعظی و نجمه ناصری طاهری و پایان‌نامه‌هایی با محوریت «آثار فردی و اجتماعی انفاق از دیدگاه قرآن کریم» نوشته ابراهیم علی نژاد و همچنین «بررسی آیات انفاق در قرآن با توجه به سیر تاریخی نزول» نوشته مریم کریمی تبار و نیز کتاب‌هایی با عنوان «انفاق در قرآن» نوشته داوود عارفی و همچنین «انفاق» نوشته جواد محدثی می‌توان اشاره کرد.

اما همانطور که گفته شد مقاله‌ای مانند این پژوهش مطرح نشده و در این مقاله در مورد موضوعی بیان گردیده که دیگران کمتر به آن توجه نموده‌اند و آن آثار فردی و اجتماعی انفاق از نشر قرآن و روایات اهل بیت (ع) می‌باشد. در نهایت در این مقاله می‌خواهیم مفهوم انفاق را بدانیم که چیست و همچنین آثار فردی و اجتماعی آن از دیدگاه قرآن کریم و روایات چه می‌باشد و انتظار می‌رود که در پایان مقاله به پاسخ این سوالات دست پیدا کنیم.

برای درک آثار فردی و اجتماعی انفاق ابتدا باید مفهوم انفاق را بفهمیم. روش تحقیق در این مقاله بصورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌است.

(۱) مفهوم شناسی

در این بخش تلاش شده‌است تا واژه «انفاق» در فرهنگ لغت عربی فارسی و همچنین در معنای رایج اصطلاحی از دیدگاه مفسرین مورد بررسی قرار گیرد تا مخاطب به معنای آن پی برده و به راحتی بتواند نسبت به تبیین مقاله اقدام کند.

(۲) انفاق در لغت

نفق در لغت به معنی گذشتن هر چیز و از بین رفتن آن با تمام شدن آن چیز است.^۱ ریشه‌ی واژه‌ی انفاق، «ن - ف - ق» می‌باشد که به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است.^۲

(۳) انفاق در اصطلاح

^۱ راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۴۲

در قرآن کریم و متون دینی، انفاق در اصطلاح به معنی عطا کردن مال یا چیز دیگری در راه خداوند متعال به فقیران و نیازمندان و دیگر موارد مورد نیاز می‌باشد.^۱ در کتاب مفردات راغب^۲، از آن نظر به انفاق بخشش مال گفته می‌شود که با بخشش، مال نابود شود. برخی واژه‌شناسان^۳ بر این باورند که انفاق با (اعطا) متفاوت است، این‌طور که در انفاق مالکیت شیء انفاق شده نیز انتقال می‌یابد ولی در اعطا لزوماً این‌طور نیست، از این‌رو اسناد دادن انفاق به خداوند را مجازی دانسته‌اند همان‌طور که در آیه‌ی «ینفق کیف یشاء»^۴ به معنی رساندن روزی به بندگان می‌باشد.^۵

علاوه بر این واژه «نفق» و مشتقات آن بیش از ۷۰ بار، و اغلب به معنای اصطلاحی آن در قرآن ذکر شده است. در قرآن با واژه‌ها و تعبیرهای مختلفی به این موضوع انفاق اشاره شده است مانند: صدقه^۶، زکات^۷، اعطاء^۸، ایتاء^۹، جهاد کردن با مال^{۱۰}، قرض الحسنه دادن به خداوند^{۱۱}، اطعام^{۱۲}، رزق^{۱۳} و نیز آیاتی مربوط به پرداخت زکات^{۱۴} و کفار^{۱۵} را می‌توان از مصداق‌های انفاق (به معنای عام آن) دانست. در موارد کمی در قرآن منظور از واژه‌ی انفاق جز معنای اصطلاحی آن دانسته شده است.^{۱۶}

(۴) دایره‌ی انفاق

انفاق در راه خداوند متعال تقسیمات متفاوتی دارد که می‌توان به صورت زیر نوشت:

^۱ المنای، عبدالرؤف، التوقیف، ج ۱، ص ۱۰۰

^۲ راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات، ص ۸۱۹

^۳ عسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، ص ۸۳۸۲

^۴ مائده، ۶۴

^۵ انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۱۵۵

^۶ توبه، ۷۱

^۷ مائده، ۵۵

^۸ لیل، ۵

^۹ نور، ۲۲

^{۱۰} توبه، ۴۱

^{۱۱} حدید، ۱۸

^{۱۲} انسان، ۸

^{۱۳} نساء، ۸

^{۱۴} بقره، ۴۳

^{۱۵} مائده، ۹۵

^{۱۶} فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز، ج ۵، ص ۱۰۶

۴-۱) تقسیم انفاق از نظر مادی یا معنوی بودن

انفاق گاهی به صورت امور مادی می‌باشد و گاهی هم به صورت معنوی. از مصادیق آشکار انفاق در قرآن کریم انفاق اموال می‌باشد. مانند (جهلوا با موالکم)^۱ و نیز در دیگر آیاتی هم انفاق به صورت معنوی که فراتر از انفاق مادی می‌باشد ذکر شده است. مانند (هدی للمتقین)^۲. در آیهی ۲۱۵ سورهی بقره: (قل ما انفقتم من خیر فالولدين و الاقربین)^۳ را نیز بسیاری از تفسیرکنندگان به مال تفسیر کرده‌اند^۴ ولی بعضی از آنها هم آن را اعم از مال دانسته‌اند^۵ و همچنین در سورهی انفال آیهی ۶۰ (و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله ...) از دیدگاه مفسران هم شامل امور مالی می‌شود هم شامل امور معنوی می‌شود^۶ و در آیهی (تنفقوا مما تحبون)^۸ شامل سرمایه‌های غیرمادی مانند عقل و آبرو می‌باشد.^۹

۴-۲) تقسیم انفاق از نظر حکم شرعی

انفاق از نظر حکم شرعی به ۳ دسته‌ی انفاق واجب، انفاق مستحب و انفاق حرام تقسیم شده است.^{۱۰} انفاق واجب دایره‌ی گسترده‌ای از واجبات مالی، اعم از زکات، خمس، کفارات مالی، انواع فدیة و نفقات واجب را در برمی‌گیرد.^{۱۱} برای درک بهتر این مطلب، مثلاً زکات از مصداق‌های بارز انفاق واجب می‌باشد که مفسران در ذیل بعضی آیات مربوط به زکات^{۱۲} و انفاق^{۱۳} از جمله آیهی ۳ سورهی بقره: «و مما رزقنهم ینفقون» و آیه «والذین یکنزون و ...»^{۱۴} این

^۱ توبه، ۴۱

^۲ بقره، ۲

^۳ بقره، ۲۱۵

^۴ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، مج ۲، ج ۲، ص ۴۶۵

^۵ تسنیم، ج ۲، ص ۱۷۰

^۶ انفال، ۶۰

^۷ مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، ج ۷، ص ۲۲۸

^۸ آل عمران، ۹۲

^۹ ابن خطیب، محمد، الفرقان، ج ۳، ص ۲۴۵

^{۱۰} طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۶۰

^{۱۱} طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۰۵

^{۱۲} طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۰۹

^{۱۳} طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، مج ۶، ج ۱۰، ص ۱۵۷-۱۵۶

^{۱۴} توبه، ۳۴

نکته را ذکر کرده‌اند.^۱ از دیگر موارد دیگر انفاق‌های واجب پرداخت خمس است که در آیهی (و اعلموا أنّما غنمتم من شیء فأنّ لله خمسهُ)^۲ به آن اشاره شده است.

مصدق دیگر نفقه‌ی واجب زوجه و فرزندان می‌باشد که به عهده‌ی زوج است که در آیه‌ی (و علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف)^۳ یادآور شده است و از موارد کفاره‌های مالی مانند کفاره‌ی سوگند^۴ جزء انفاق واجب به شمار می‌رود، مانند تأمین هزینه‌ی جهاد که آیه‌ی ۱۹۵ سوره‌ی بقره: «و انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة...»^۵ درباره‌ی آن نازل شده است^۶ و یا برای رفع امور ضروری دیگر جامعه مانند ساختن راه‌ها، مدارس، مساجد و ... که از مصادیق انفاق واجب در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی توبه دانسته‌اند.^۷

از موارد انفاق مستحب می‌توان صدقه‌ی مستحب را اشاره کرد که بعضی آیات انفاق را مربوط به آن دانسته‌اند مانند آیه‌ی (من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً...)^۸ و آیات دیگری نیز اشاره به انفاق واجب و مستحب می‌باشد از جمله آیات ۳ و ۲۷۰ سوره‌ی بقره^۹ مصادیقی از انفاق در قرآن کریم ذکر شده است که مربوط به انفاق حرام می‌باشد مانند انفاق مشرکان در راه معصیت و گناه خداوند^{۱۰}: «انّ الذین کفرو ینفقون اموالهم لیصدوا عن سبیل الله...»^{۱۱} و از این قبیل آیات که در قرآن ذکر شده و یادآوری انفاق حرام می‌باشد.

(۵) اهمیت و جایگاه انفاق

جایگاه و منزلت انفاق از دید قرآن به راحتی آشکار و قابل استنباط می‌باشد بدین ترتیب به بعضی از مفاهیم آیات مربوط به انفاق اشاره می‌کنیم که در آن درباره‌ی انفاق و جایگاه آن بحث شده است:

^۱ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، مج ۶، ج ۱۰، ص ۱۵۷-۱۵۶

^۲ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۶

^۳ بقره، ۲۳۳

^۴ مائده، ۸۹

^۵ بقره، ۱۹۵

^۶ سبزواری، سیدعبدالاعلیٰ مواهب الرحمن، ج ۳، ص ۱۲۶

^۷ ابن فطیب، محمد، الفرقان، ج ۱۰، ص ۵۴

^۸ بقره، ۲۴۵

^۹ زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، ج ۲، ص ۲۵۵

^{۱۰} طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۳۲

^{۱۱} انفال، ۳۶

۸-۹) مولفه القلوب

از جمله موارد مصرف انفاق‌های واجب (مانند زکات) کمک کردن به کافران به نیت جلب محبت آنان و دلجویی از آنهاست.^۱ همچنین انفاق به آنها مستحب و موجب اجر الهی می‌گردد «لیس علیک هدهم ... من خیر فلانفسکم»^۲ در شأن نزول این آیه آمده است که مسلمانان ابتدا حاضر نبودند به کافران کمک مالی کنند و این آیه نازل گردید و این کار را شایسته قرار داد^۳ و نیز آمده است که مادروجده کافر زنی مسلمان بودند که اسماء از او درخواست کمک کرده بود ولی او به سبب کفر آنان از کمک کردن و انفاق خودداری کرد و سپس این آیه نازل شد^۴، البته لازم است بدانیم که کمک کردن به کافران تنها در صورتی جایز است که با مسلمانان وارد جنگ نشوند و آن‌ها را از دیارشان بیرون نکنند. افزون بر این موارد مصرف می‌توان در مورد مصارف انفاق واجب که در قرآن به سخن آمده است و عمدتاً به زکات مربوط می‌شود اشاره کرده^۵ از جمله «العلمین علیها» یعنی آنهایی که برای جمع‌آوری و نگاهداری زکات تلاش کنند (بدهکاران)^۶

۹) پیامدهای ترک انفاق

تمام پیامدهای ترک کردن انفاق از نظر قرآن، در بخش‌های قبل که مورد بررسی قرار گرفت قابل درک و مفهوم می‌باشد، با این حال به دلیل سفارش بسیار قرآن بر روی برخی از این آثار و پیامدها مهمترین آنها را ذکر می‌کنیم که به شرح زیر می‌باشد:

۹-۱) نابودی امنیت و جامعه

فراهم کردن امنیت جامعه‌ی اسلامی در مقابل دشمنان خارجی و حتی مشکلات داخلی و ناهنجاری‌ها هزینه‌های بسیاری دارد و سهل‌انگاری در این زمینه و ترک انفاق باعث می‌شود که

^۱ توبه، ۶۰

^۲ بقره، ۲۷۲

^۳ طبری، جامع البیان، مج ۳، ج ۳، ص ۱۳۱-۱۳۰

^۴ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۹۹

^۵ زمخشری، جارالله، الکشاف، ج ۱، ص ۳۱۷

^۶ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۹۹

^۷ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۱۱۰

^۸ طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۳۱۱

^۹ توبه، ۶۰

پایه‌های امنیت و حفاظتی نظام اسلامی و جامعه ضعیف شود و از این‌رو مسلمانان در معرض خطر و نابودی قرار گیرند؛ همانطور که در قرآن کریم هم به آن اشاره شده است: «وانفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهکه»^۱ به نظر برخی از مفسران منظور از انفاق در این آیه کمک به هزینه‌ی مصارف جنگی و جهاد می‌باشد.^۲ ولی برخی دیگر بر این باورند که انفاق به فقیران و نیازمندان جامعه مصداق انفاق در این آیه می‌باشد.^۳

۲-۹) نابودی نعمت

فرو گذاشتن انفاق به نیازمندان از عوامل سلب و زوال نعمت می‌باشد. در قرآن کریم، سوره‌ی قلم که به داستان باغدارانی اشاره کرده که هنگام چیدن میوه‌ها صبح‌گاهان روانه باغ‌های خود می‌شوند تا نیازمندان آگاه نشوند، عاقبت خداوند عذابی بر ایشان نازل کرد و تمام درختان و میوه‌های آنان را نابود ساخت.^۴ و همچنین در سوره‌ی محمد آیه‌ی ۳۸ به مسلمانان هشدار می‌دهد که اگر در یاری کردن اسلام و انفاق کردن کم بگذارند،^۵ خداوند گروهی بهتر از آنان را جای آنان خواهد گذاشت. و این جایگزینی به این صورت می‌باشد که خداوند نعمتش را از این افراد سلب کرده و به کسانی می‌دهد که اهل انفاق کردن می‌باشد، همانطور که این امر مهم در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نیز آمده است.^{۶ ۷}

۳-۹) محرومیت از محبت و یاری خداوند

خداوند متعال کسانی را که انفاق نمی‌کنند و از کمک کردن به دیگران کوتاهی می‌کنند را دوست ندارد و آنان را یاری نخواهد کرد همانطور که در قرآن کریم متذکر شده است: «و ما انفقتم من نفقه ... و ما للظلمین من انصار»^۸ جمله‌ی (و ما للظلمین من انصار) به دنبال ترغیب

^۱ بقره، ۱۹۵

^۲ ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی، تفسیر ماوردی، ج ۱، ص ۲۵۳

^۳ مکارم شیرازی، نمونه، ج ۲، ص ۳۷-۳۸

^۴ قلم، ۱۷-۲۴

^۵ ابن خطیب، محمد، الفرقان، ج ۲۶-۲۷، ص ۱۳۹

^۶ مترجم علامه شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۲۵

^۷ حدید، ۲۳-۲۴

^۸ بقره، ۲۷۰

انفاق آمده و اشاره به این دارد آنان که ترک انفاق^۱ کرده‌اند و یا شرایط لازم انفاق را رعایت نمی‌کنند ظالم‌اند^۲ و حتی از یاری خداوند محروم خواهند ماند.

۴-۹) حسرت به موقع مرگ و قیامت

کسانی که از کمک و انفاق به دیگران خودداری کنند به هنگام قبض روح از خداوند می‌خواهند که مرگ آنها را به عقب بیندازد تا در راه خداوند انفاق کنند و عمل صالح انجام دهند و کم‌کاری خود را جبران کنند.^۳ ولی افسوس که فرشتگان الهی درخواست آنها را رد کرده و پاسخ می‌دهند که خداوند هرگز اجل کسی را به عقب نمی‌اندازد^۴، اینان وقتی گرفتار عذاب الهی می‌شوند حسرت می‌خورند که ای کاش اعمال خیری را برای این روز خود ذخیره می‌کردند و می‌فرستادند.^۵

۵-۹) عذاب اخروی

قرآن کریم در آیات فراوانی به کسانی که ترک انفاق کرده‌اند وعده‌های مجازات و عذاب دردناک آنها در قیامت را خبر و هشدار داده است در آیه‌ی ۱۸۰ سوره‌ی آل عمران مال اندوزی و بخل ورزیدن را برای ترک‌کنندگان انفاق از عوامل شری دانسته است که در قیامت به صورت طوقی از آتش بر گردن آنها افکنده می‌شود و با اندوخته‌ی طلا و نقره آنها، بر پیشانی و پهلو و پشت آنها داغ نهاده شده و به آنان گفته می‌شود: بچشید! این همان چیزی است که اندوخته‌اید^۶ و همچنین خداوند اینان را عذابی خوارکننده می‌دهد^۷ و با زنجیرهای آتشین^۸ و طعمی از چرک و خون^۹ و عذابی بی‌مانند^{۱۰} مجازات خواهد کرد.

۶-۹) محرومیت از شفاعت

^۱ ابن خطیب، محمد، الفرقان، ج ۳، ص ۲۹۶

^۲ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۹۶

^۳ منافقون، ۱۰

^۴ منافقون، ۱۱

^۵ فجر، ۱۷-۱۸

^۶ فجر، ۲۴

^۷ توبه، ۳۵

^۸ نساء، ۳۷

^۹ حامه، ۳۴-۳۰

^{۱۰} حامه، ۳۶

افراد ترک انفاق هنگام گرفتار شدن به دوزخ دوست و یاری نخواهند داشت تا آنها را شفاعت کند^۱ و حتی در قرآن کریم به آن نیز اشاره شده است «و لا يحض على طعام المسكين ليس له اليوم ههنا حميم»^۲ و شفاعت، شفاعت‌گران نیز به حالشان سودی ندارد^۳.

نتیجه‌گیری

انفاق در قرآن و سنت، تنها یک عمل مالی و ظاهری نیست، بلکه ابزاری تربیتی و اجتماعی برای رشد فرد و تعالی جامعه است. از دیدگاه قرآن، انفاق سبب تزکیه نفس، برکت در زندگی و تقرب الهی می‌شود و در بُعد اجتماعی نیز عامل برقراری عدالت، کاهش فقر و ایجاد همبستگی میان افراد است. در سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نیز انفاق به عنوان یک وظیفه دینی و اخلاقی، ضامن پایداری روابط انسانی و استحکام بنیان جامعه اسلامی معرفی شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اهتمام به انفاق، علاوه بر تأمین نیاز محرومان، مسیر دستیابی به جامعه‌ای سالم، پویا، عادل و سرشار از معنویت را هموار می‌سازد.

فهرست منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) نهج البلاغه
- (۳) ابن ابی حدید، عبدالحمید هبه الله، شرح نهج البلاغه (لایقی، غلامرضا)، تهران؛ کتاب نیستان، ج ۱، ۱۳۸۸ ه.ش
- (۴) محمدرشید، رضا، ترجمه تفسیر المنار، (موسویان صفاخانه)، سید محمد، تهران؛ ج ۱، ۱۳۹۸ ه.ش
- (۵) فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، ترجمه تفسیر الصافی، (سبحانی ساعدی خراسانی، محمدباقر)، تهران؛ صفا، ج ۱۳۶۴، ۱۰ ه.ش
- (۶) زمخشری، محمدبن عمر، الکشاف، تهران؛ بلاغت، ج ۲، ۱۳۷۲ ه.ش
- (۷) عرب عامری، فرامرز، التوقیف، تهران؛ فصل پنجم، ج ۱، ۱۳۹۴ ه.ش
- (۸) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران؛ دارالکتب اسلامی، ج ۳۲، ۱۳۹۲ ه.ش
- (۹) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تهران؛ اسراء، ج ۳، ۱۳۹۰ ه.ش

^۱ مدثر، ۴۸-۴۴

^۲ انسان، ۸-۷

^۳ شیخ طوسی، التبیان، ج ۱۰، ص ۲۱۱

- (۱۰) طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیرالمیزان، (موسوی، محمدباقر)، قم؛ جامع المدرسین حوزه علمیه قم، ج ۵، ۱۳۷۴.ش
- (۱۱) زرقاتی، محمدعبدالعظیم، مناهل العرفان، تهران؛ پژوهشگاه علوم انسانی، ج ۱، ۱۳۸۵.ش
- (۱۲) طوسی، محمدبن حسن، التبیان، قم؛ آل البيت، ج ۱، ۱۳۸۹.ش
- (۱۳) مجلسی، محمدباقر بن تقی، بحار الانوار، تهران؛ دارالکتب اسلامی، ج ۴، ۱۳۸۶.ش
- (۱۴) حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم؛ دارالتفسیر، ج ۲، ۱۳۸۳.ش
- (۱۵) قرشی بنایی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران؛ دارالکتب اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۸.ش
- (۱۶) آلوسی، شهاب الدین سید محمود، روح المعانی، بیروت؛ انتشارات دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۱۵.ق
- (۱۷) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب، تهران؛ صادق، ج ۱، ۱۳۸۷.ش
- (۱۸) الانصاری، جمال الدین، ابن منظور، لسان العرب، بیروت؛ دار صادر، ج ۳، ۱۴۱۴.ق
- (۱۹) عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویه، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵، ۱۳۹۰.ش
- (۲۰) قرطبی، محمدبن احمد، تفسیر قرطبی، تهران؛ ناصر خسرو، ج ۲، ۱۳۶۸.ش
- (۲۱) طبری، محمدبن جریر، جامع البیان، تهران؛ موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، ج ۱، ۱۳۸۹.ش
- (۲۲) صادقی تهرانی، محمد، الفرقان، تهران؛ شکرانه، ج ۱، ۱۳۹۲.ش
- (۲۳) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران؛ ناصر خسرو، ج ۸، ۱۳۸۴.ش
- (۲۴) سبزواری، سیدعبدالاعلی، مواهب الرحمن، قم؛ دارالتفسیر، ج ۵، ۱۳۸۹.ش
- (۲۵) ماوردی، علی بن محمد، تفسیر ماوردی، بیروت؛ دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۳۶۷.ش
- (۲۶) نورمگز